



سایر مهندسی ها داشته باشه و به سری درس هایی از مدیریت و اقتصاد داره و باید بتونه اینا رو با هم مرتبط کنه بتونه عارضه ها رو پیدا کنه. راه درمانو پیدا کنه. صنایع کلاسیک به چنین چیزیه، منتها چون درسهای متنوع زیادی داره ممکنه دو تا فارغ التحصیل این رشته در زمینه های کاملا متفاوت کار کنن مثل شباهت شیر با آجر!!!!
به نظر من نباید برای این رشته فوق لیسانس و دکترا تعریف کرد چون در تحصیلات تکمیلی باید توی به فیلد خاص کار کنی و توی هر فیلد صنایع که بخوای کار کنی میرسی به به دانش دیگه، مثلا به سمت مدیریت میره یا خیلی باب شده اقتصاد و IT و تداخل موضوعی پیش میاد .

4. مشکل الان صنعت کشور ما چیه؟ سیاست؟ آدما؟ علم؟ یا...
همه اش از آدما نتیجه میشه. منظورم سیاسی و... نیست منظورم تک تک آحاد جامعه است .

5. با توجه به اینکه به قسمت از صنایع به مدیریت برمیگرده به نظر شما مدیر موفق کیه؟
من نفرتی که از رشته مدیریت دارم از کمتر چیزی دارم و خیلی هم بدم میاد بعنوان به صاحب نظر در علوم مدیریتی شناخته بشم. به سری فاکتور هایی هست که آدم باید رعایت کنه مثلا تو این رشته بعضی جاها لازم می شه آدم دروغ بگه ، حرف بیشتر از دانشش بزنه . مدیر موفق کسیه که همه ی این کارا رو بتونه انجام بده ..

6. اهمیت درس تحقیق در عملیات برای رشته صنایع تا چه حده؟
اصلا کاری به رشته صنایع نداشته باشیم تحقیق در عملیات علم تصمیم گیری است . هر نوع تصمیمی که می خواهیم بگیریم با توجه به معیار هایی اگر میزان میل به آن معیارها را حداکثر کنیم میشه تحقیق در عملیات . خطی که کاربرد های وسیعی داره . وقتی تئوری های کامپیوتری و برنامه ریزی خطی با هم تلفیق شدند این علم نوین بوجود آمد .
مثلا شرکت IBM در سال 1981 آماری گرفت تا بداند کامپیوترهایی که فروخته بود به چه کاری مشغولند . نتیجه این بود که 80٪ آنها به برنامه ریزی خطی مشغول بودند ، و همچنین در این دهه تحقیق در عملیات بهترین موقعیت شغلی در واحدهای صنعتی و تولیدی امریکا بود .
موضوعیت رشته برمیگرده به مکان یابی کارخانه که درست باشد ، حمل و نقل و کلا مسائل قابل اندازه گیری برای یک سیستم ، که ما در حال حاضر نیاز مبرمی بهش داریم . متاسفانه دیدی که فارغ التحصیلان دارن اینه که تحقیق در عملیات همین جدول کشیدناست که به درد نمیخوره و اگه به دانشی صد قسمت داشته باشه این درس زیر ده قسمت از اون قرار داره . این درس base صنعت مارو درست میکنه . اگه base رو درست کردیم باید بریم سراغ مسائل بلند مدت تر مثل رقبا و ... که الان نیاز مبرم صنعت ماست.

7. برای اینکه در موج هجوم دانش آموزان به دانشگاهها آدم موفق باشی باید چه باید کرد؟
دو راه هست اگه به نفر بخواد توی به جمع شاخص بشه ، مثلا موقعیت شغلی بهتری به دست بیاره ، به راه چیزای قابل اندازه گیری به مثل معدل یا اینکه چندتا مقاله چاپ کرده ، با کی کار کرده ، مدرک زبان داره یا نه ، گواهی ممیزی ایزو داره یا نه ! که میشه دوره های مختلفو گذروند و بدستشون آورد. (که با مدارک قابل اثبات است.) یکی هم خلاقیت و شجاعت است که مثلا بگید من ایده های بقیه رو قبول ندارم . مثلا من کسی رو میشناسم که توی دو تا المپیاد جهانی مدال طلا گرفته بود لیسانسشو در رشته نرم افزار تموم نکرد و به شرکت نرم افزاری زد و الان اسم این فرد در بازار اعتبار شده.

.....
1. چطور میشه از فرار مغزها جلوگیری کرد؟
خیلی چیزا باید باشه . به سری چیزا هست که قابل حل نیست . 200-300 سال طول میکشه تا حل بشه . تمام مشکلاتی که هست مثلا میگن دانشجو باید حرمت داشته باشه یا مسائل سیلاسی رو مطرح میکنن . به نظر من base همه اینها خود جامعه است . تا فرهنگ جامعه تغییر پیدا نکنه اینها هم لاینحل باقی می مونه . انگیزه های مختلفی برای فرار هست . بعضی ها بخاطر رفاه میرن البته بستگی داره رفاه رو چی تعریف کنیم ، یکی میگه من دوست دارم پول زیادی داشته باشم. پول زیاد درآوردن این جا خیلی راحتتره . مثلا ما به حداقل رفاه تعریف می کنیم ، ولی درصد کمی از جامعه این حداقل رو دارن . به این جا رسیدن هم کار راحتی ولی وقتی هم رسیدی کار زیادی باید بکنی و نمی تونی از زندگی که برات زحمت کشیدی لذت ببری . در کشورهای صنعتی کسانی که زیر خط حداقل رفاه هستن خیلی کم اند . زحمتی که می کشی در حد معمولیه و اگه بخوای خیلی پولدار بشی خیلی باید زحمت بکنی ، ولی با هر کاری میتونی درآمد معمولی داشته باشی و در مقابل زندگی پر هیجان به به جنبه ی دیگه مثلا آرامش زندگی هم برسی و برای آیندت برنامه ریزی کنی . این جا اینقدر قوانین متغیر و نامطمئنه که حتی نمیتونی به آینده ی بد برای خودت تصور کنی و برنامه ریزی کنی ، چون برنامه ات به هم میریزه پس عدم اطمینان از آینده یکی انگیزه و یکی راحتی و اعتبار تحصیله مثلا این جا هم باید کار کنی هم درس بدی هم درس بخونی تا خرج زندگیتو در بیاری ولی اون جا اونقدر از دانشگاه درآمد داری که زندگیت بچرخه.

2. گفتید این جا کار زیادی هست برای اینکه پول دار شد مثلا چی؟
روتینه ، مشخصه و فرصتش فراهمه در زمینه ی دلالی و دادوستد موقعیت بسیاری هست . فرمولشو یاد بگیر می تونی ازش استفاده کنی ولی اگه غرقش بشی زندگیتو از دست می دی . مثلا دوست داری تکنسین یا کارگر بشی . حداقل رفاه زندگیت و منزلت اجتماعی ات را تامین نمیکنه.

3. لطفا در مورد رشته صنایع و جذابیتهاش به توضیحی بدین؟
اولا رشته صنایع رو کشورهای کمی دارن ، در اروپا که اصلا نیست . رشته ای است که خاص نیاز های صنعتی شدن دهه ی 30 یا 40 امریکاست . (یا می شه گفت فرا صنعتی شدن امریکا) به نظر من این رشته در مقطع کارشناسی به سری درس هایی داره که آدم دیدی از



من تنها يك چیز می دانم و آن اینکه هیچ نمی دانم. (سقراط)